

فصل‌نامه علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال پنجم، شماره یازدهم، پاییز ۱۴۰۱ (۸۹-۱۰۷)

مقاله پژوهشی

Doi: 10.22034/JMZF.2022.305112.1088

DOR: 20.1001.1.26453894.1401.5.11.6.0

واکاوی ویژگی‌های ادبیات عامیانه در رمان‌های «طیور ایلول» اثر املی نصرالله و «کلیدر»

اثر محمود دولت‌آبادی

فاضل عباس زاده^۱، ودود ولی زاده ساربان^۲

چکیده

ادبیات داستانی شاخه‌های گسترده‌ای دارد که از جمله آن‌ها ادبیات داستانی عامیانه یا فولکلوریک است. رمان‌های «طیور ایلول» نوشته املی نصرالله و «کلیدر» اثر محمود دولت‌آبادی به‌عنوان رمانی عامیانه و روستایی قلمداد می‌شوند که در این جستار از منظر ادبیات عربی و فارسی بررسی می‌شود. در این پژوهش نشانه‌هایی که به کمک آن می‌توان یک رمان را عامیانه و روستایی دانست، آورده شده است و هدف این است که بررسی شود کدام نشانه‌ها در این دو رمان بسامد بالایی دارد و این‌که این دو رمان در این نشانه‌ها چه وجه اشتراکی باهم دارند؟ مکتب منتخب یک نویسنده را می‌توان از مضامین به کار گرفته‌شده در آثارش دریافت. مکتب تطبیقی در این مقاله مکتب فرانسوی است. از این‌رو برای آشنایی با دید و رویکرد دو نویسنده مذکور، آثارشان به‌اختصار بررسی شده و مؤلفه‌های ادبیات عامیانه و مقایسه آن در دو رمان مذکور در چند بخش مجزا بررسی و شرح شده است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی، با مد نظر قرار دادن مکتب و مضامین به کار گرفته‌شده در دو اثر مذکور، نوع شخصیت‌آفرینی و شخصیت‌پردازی و طرز بیان شخصیت‌ها در دو داستان، روش به کار بستن وصف از روستا و محیط روستایی و پیرامون آن را بررسی و مقایسه کرده است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات عامیانه، طیور ایلول، کلیدر، املی نصرالله، محمود دولت‌آبادی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد پارس‌آباد مغان، دانشگاه آزاد اسلامی، پارس‌آباد، ایران
Fazil.abbaszade@gmail.com (نویسنده مسئول).

۲. استادیار گروه معارف، واحد پارس‌آباد مغان، دانشگاه آزاد اسلامی، پارس‌آباد، ایران.
maa.valizadeh@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

۱. مقدمه

داستان با انواع گوناگون و ویژگی‌های متفاوت خود دنیایی خاص را در جهان گسترده ادبیات به خود اختصاص داده است. داستان عامیانه یا داستان روستایی از جمله انواع داستان است که این پژوهش قصد دارد با رویکرد تطبیقی به دو نمونه از آن در تارک ادبیات عربی و ادبیات فارسی بپردازد. ویژگی‌های داستان عامیانه و روستایی در آثار «املی نصرالله» نویسنده معاصر لبنانی ملموس است. در اثر معروف وی «طیور ایلول» نیز این شواهد کاملاً مشهود است. در آثار نویسنده ایرانی چیره‌دست و معروف «محمود دولت‌آبادی» نیز رنگ و بوی ادبیات عامیانه و فولکلور به‌وفور یافت می‌شود. از جمله در اثر معروف وی «کلیدر» نیز این رنگ و بو آشکار است. در این مقاله سعی می‌شود آثار این دو نویسنده مشهور معرفی شود؛ زیرا مجموعه آثار یک نویسنده ایدئولوژی و رویکرد فکری نویسنده را نشان می‌دهد. فراوانی نشانه‌هایی از گرایش به رئالیسم یا رمانتیسم در آثار یک نویسنده خود مدعایی بر طرز تفکر و توجه آن نویسنده به این مکاتب و نشان‌دهنده رویه و رویکرد فکری نویسنده است و می‌توان بدین وسیله نویسنده و اثر مورد تحلیل او را نیز بیشتر شناخت.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

از زمان‌های قدیم تعاریف گوناگونی درباره ادب صورت گرفته است. برای تعریف ادبیات بهتر است به مبدأ و خاستگاه آن توجه کرد که خاستگاه ادبیات همان «هنر» است و ادبیات یکی از گونه‌های هنر محسوب می‌شود.

تأثیرگذاری در ادبیات شرط مهمی است. کلمات، مصالح و موادی هستند که شاعر و نویسنده با بهره‌گیری از عواطف و تخیلات خویش آن‌ها را به کار می‌گیرد و اثری ادبی و هنری پدید می‌آورد. در آثار ادبی، نویسنده و شاعر می‌کوشد اندیشه‌ها و عواطف خویش را در قالب مناسب‌ترین و زیباترین جملات و عبارات بیان کند. این آثار همان

گفته‌ها و نوشته‌هایی هستند که مردم در طول تاریخ آن‌ها را شایسته نگهداری می‌دانند و از خواندن و شنیدنشان لذت می‌برند.

زرین کوب در تعریف ادبیات می‌نویسد: «ادبیات عبارت است از آن‌گونه سخنانی که از حد سخنان عادی، برتر و والاتر بوده است و مردم، آن سخنان را در میان خود، ضبط و نقل کرده و از خواندن و شنیدن آن‌ها دگرگون گشته و احساس غم، شادی یا لذت کرده‌اند» (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۲۵). در باور همگانی ادبیات یک تیره یا ملت برای نمونه مجموعه متن‌هایی است که آثار ماندگار و برجسته پیشینیان آن تیره و ملت را تشکیل می‌دهند.

ادبیات عامیانه، ادبیات توده یا ادبیات شفاهی و فولکلور به‌گونه‌ای از ادبیات اطلاق می‌شود که اغلب شفاهی است و از نسل‌های پیشین به زمان ما رسیده است و در میان توده مردم رواج دارد و دارای موضوعاتی است که فرهنگ اقوام مختلف را در طول تاریخ نگهداری و به دیگران معرفی می‌کند. «عامیانه ترکیب کلمه عامی عربی با انه فارسی است که این پسوند در ساختن قید از صفت استفاده شده است. عام اسم فاعل از مصدر عمم به معنی کامل بودن با واژه فولکلور (Folklor) مترادف است. فولکلور مأخوذ از فرانسه فولک به معنی توده و لور به معنی دانش گفته می‌شود که نوعی از ادبیات است که در میان توده مردم رواج دارد. در زبان فارسی فولکلور را فرهنگ عامه و فرهنگ عوام و دانش عوام ترجمه کرده‌اند» (محبوب، ۱۳۸۲: ۳۵).

این پژوهش بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد:

چه وجوه مشترکی در ادبیات عامیانه بین رمان‌های عربی و فارسی وجود دارد؟

۱-۲. اهداف و ضرورت تحقیق

از جمله اهداف این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- انتقال احساسات و عواطف انسان‌ها از طریق ادبیات در بین ملل

- تلاش برای برقراری ارتباط صمیمانه بین انسان‌ها و هم‌نوعان خود و آشنایی با گذشتگان و بررسی اعتقادات و مراسم دینی و آیین‌های اقوام - به تصویر کشیدن حکمت‌ها و آداب‌ورسوم ملل از طریق فولکلور یا باور عامیانه که شامل افسانه‌ها، داستان‌ها، موسیقی، تاریخ شفاهی و ضرب‌المثل‌ها است.

۱-۲. پیشینه تحقیق

مقالات مرتبطی پیرامون مقاله حاضر است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:
- نصیحت و میرزایی (۱۳۹۱)، «شیوه روایت گفته‌های داستانی در رمان الإقلاع و عکس الزمن املی نصرالله» مجله ادب عربی. مقاله مذکور درباره اثر املی نصرالله «الإقلاع و عکس الزمن» پژوهش کرده است و در این مقاله نوع شخصیت‌های داستان مذکور بررسی شده است.

- روشنفکر، هاشملو و صفرپور (۱۳۹۲)، «ویژگی داستان روستایی در آثار املی نصرالله» فصلنامه «لسان مبین». ویژگی‌های روستایی و عامیانه را در تمامی آثار نویسنده عرب‌زبان (املی نصرالله) به صورت خلاصه و گذرا بررسی کرده است و نگاهی کلی به مجموعه آثار ایشان داشته است.

- شیری (۱۳۸۸)، «نقدی بر یک نقد» مجله ماه ادبیات. در این مقاله نقد گلشیری - که خود نویسنده‌ای چیره‌دست در ادبیات فارسی است - درباره اثر محمود دولت‌آبادی یعنی کلیدر انجام گرفته است و مضامین کلیدر تحلیل شده است.

- شیری (۱۳۸۸)، «کلیدر دولت‌آبادی و فلسفه مداخله در روایت» مجله جستارهای ادبی. در آن نوع روایت گویی از طرف اشخاص رمان کلیدر بررسی شده است.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱. ادبیات عامیانه و نشانه‌های آن

تعاریف متعددی از ادب ارائه شده است؛ به عنوان مثال جرجی زیدان در مورد ادب چنین می‌نویسد: «علم ادب در اصطلاح علمای ادبیات مشتمل بر اکثر علوم ادبیه است از قبیل نحو، لغت، تصریف، عروض، قوافی، صنعت شعر، تاریخ و انساب و ادیب کسی است که دارای تمام این علوم یا یکی از آن‌ها باشد و فرق ما بین ادیب و عالم آن است که ادیب از هر چیزی بهتر و خوب‌ترش را انتخاب می‌نماید و عالم تنها یک مقصد را گرفته در آن مهارت می‌یابد» (دهخدا، ۱۳۴۵: ۱۵۵۹).

رمان در فارسی برگرفته از زبان فرانسه و مترادف است با نوول (Novel) انگلیسی و نوولو (Nouvelle) فرانسوی و الروایهٔ عربی است؛ به معنای داستانی که به نثر نوشته شود و شامل اتفاقات و حوادثی ناشی از تخیل نویسنده باشد و آن اقسامی دارد. نوول متنی روایتگر و داستانی است که در قالب نثر نوشته می‌شود. در ۲۰۰ سال اخیر رمان تبدیل به یکی از مهم‌ترین اشکال ادبی شده است که موضوعاتی مختلف دارد. پس رمان در زبان فارسی و الروایهٔ در زبان عربی قالب ادبی مدرنی محسوب می‌شود که در هر صورت هم‌اکنون از مجموعهٔ ادبیات نثری است و داستان بلندی است که به صورت نثر نوشته می‌شود. از جمله تفاوت‌های کیفی میان انواع داستان و رمان این است که در انواع داستان نویسنده تأثیر واحدی را از یک شخصیت اصلی برمی‌گیرد و آن را به خواننده القا می‌کند؛ اما در رمان یکدست کردن و جامعیت به حوادث گوناگون و متحد کردن آن‌ها و جامعیت بخشیدن به آن‌ها را در نظر دارد و آن را به خواننده القا می‌کند. در پژوهش حاضر؛ متغیر ادبیات عامیانه است که این متغیر را می‌توان در انواع داستان بررسی کرد و ضرورتی ندارد که صرفاً بین دو رمان بررسی شود؛ بلکه عامل را می‌توان میان داستان و رمان نیز بررسی کرد و این با تعاریف ذکر شده مغایرتی ندارد.

۲-۲. رمان عامیانه از نگاه ادب عربی

تعریف رمان و داستان نیز از منظر ادبیات عربی به علت برگرفته شدن از تعریف فولکلور انگلیسی، مشابه با تعریف فارسی آن است؛ اما باید توجه داشت که در جهان عربی به علت فرهنگ‌های متعدد و متنوع و وسعت سرزمین‌های اعراب و همچنین مرزهای سیاسی‌ای که میان کشورهای مختلف عربی موجود است، تأکید شده است که در این‌گونه رمان‌ها باید از یک گروه قومی مشخص به دست بیایند و رمان یا داستان عامیانه حتماً باید دارای این مشخصه باشد. «در ادبیات عربی ادبیات شعبی را در اصطلاح گفتاری ادبی می‌دانند که متضمن ویژگی‌های ادبی باشد و ضوابط و ویژگی‌هایی در ترکیبش وجود داشته باشد که عموم مردم از جماعت یا طبقه‌های خاصی و از گروهی مشخص هستند آن را تأیید و نقل کنند. ادبیات عامیانه فقط از یک گروه قومی مشخص به دست می‌آید» (الشیبی، ۲۰۰۹: ۱۲).

۲-۳. رمان عامیانه از نگاه ادب فارسی

تعبیراتی از رمان عامیانه فارسی می‌شود که جامع و کامل نیست، باید در نظر داشت ادبیات عامیانه مختص گذشته‌های دور نیست و به شکل خاصی مانند افسانه به‌تنهایی اشاره ندارد. «اما تعریف دقیق‌تری از رمان عامیانه از منظر ادبیات فارسی این است که رمانی که نمودی از فرهنگ طبقه خاصی در دوره مشخصی را نشان دهد، دارای ویژگی‌های عامیانه است. این ویژگی‌ها امروزی و مدرن نیستند و اغلب پیشینه‌ای تاریخی دارند و دارای قدمتی هستند که فضایی مشخص را می‌طلبند و نویسنده درصدد برمی‌آید تا این ویژگی‌ها را به خواننده منتقل کند. گاه ممکن است این عمل نویسنده به‌مرور زمان باعث حفظ این میراث شود و این آداب‌ورسوم و ویژگی‌ها به آیندگان نیز انتقال داده شود و گاه ممکن است چنین تأثیری صورت نگیرد» (محبوب، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

۲-۴. نشانه‌های عامیانه رمان

از جمله نشانه‌های عامیانه بودن یک رمان یا داستان، حادثه‌های موجود در داستان در دوره‌های تاریخی گذشته است که گاهی حوادث پیوندی عمیق با گذشته دارند. شخصیت‌های داستان خصوصاً شخصیت اصلی داستان از طبقه روستایی و منطقه‌ای اقلیمی انتخاب شده است؛ زیرا این طبقات از مردم طبیعتاً ارتباط بیشتری با گذشته‌ها دارند و ابزار و گفتار و خصوصیات شخصیت‌های مدرن را ندارند. توصیف مناظر در این نوع داستان‌ها حسی است و اغلب نشانه‌هایی از گذشته در آن موجود است که ابزاری روستایی به حساب می‌آیند. نویسنده مناطق بکر و طبیعی روستا را نمایش می‌دهد که انسان مدرن بدان راه نیافته است و تغییری در آن ایجاد نکرده است. از همه مهم‌تر شکل و شمایل و گفتار و کردار شخصیت‌های داستان است که خود عامیانه بودن رمان را نشان می‌دهد.

۲-۵. طیور ایلول

داستان بلند طیور ایلول (پرنده شهریورماه) در سال ۱۹۶۲ انتشار یافت و پس از آن تا سال ۱۹۹۱ هفت بار تجدید چاپ شد. نویسنده در این داستان تصویری بدیع و دقیق از روستایی در جنوب لبنان را نشان می‌دهد. در این داستان به کم بودن امکانات در روستا و به دشواری‌های معیشتی و فرهنگی و به محروم بودن زنان از حقوقشان در جامعه روستایی می‌پردازد.

۲-۶. کلیدر

دولت‌آبادی نگارش رمان سه هزار صفحه‌ای کلیدر را از سال ۱۳۴۷ آغاز کرد و در ۲۰ فروردین سال ۱۳۶۲ - بعد از ۱۵ سال کار مداوم - به پایان رساند. شخصیت اول این رمان شخصی به نام گل محمد است. رمان کلیدر در رده رمان‌های اجتماعی با ابعاد تاریخی قرار می‌گیرد که در آن سیمای جامعه انسانی به تصویر کشیده شده است. ما

در لابه‌لای رمان با حدود شصت شخصیت آشنا می‌شویم که تعداد زیادی از آن‌ها را روستاییان تشکیل می‌دهند. می‌توان گفت کلیدر داستان مبارزه این شخصیت‌ها با طبیعت و با یکدیگر است. داستانی که در آن عشق و رنج باهم به تصویر کشیده می‌شود.

گل محمد (شخصیت اصلی داستان) در آغاز برای کمک به خانواده و رهایی از تنگ‌دستی، از اربابان و دولت درخواست کمک می‌کند؛ اما وقتی همه دست رد به سینه‌اش می‌زنند، راهی جز راهی که کلیدر پیش پایش می‌گذارد، برایش باقی نمی‌ماند. او قدم در راه بی‌بازگشت می‌گذارد.

۲-۷. بررسی مؤلفه‌های ادبیات عامیانه در رمان‌های طیور ایلول و کلیدر

۲-۷-۱. مقایسه رویکرد نویسنده در مضامین طیور ایلول و کلیدر

همان‌طور که در تعریف ادبیات گذشت، شاخصه مهمی که در ادب باید مد نظر داشت، تأثیرگذار بودن آن است. «ادیبان عرب آثاری مطابق با مکتب رمانتیک پدید آوردند و روی گردان از ازدحام شهر و پیچیدگی مظاهر تمدن جدید درصدد آفرینش آثاری با در نظر گرفتن اوضاع اقلیمی برآمدند» (الحاوی، ۱۹۹۸: ۱۶۵). از این‌روی از پیچیدگی‌های زندگی شهری روی برتافتند و به نمایش زندگی روستایی در آثارشان روی آوردند؛ بنابراین برای تأثیرگذارتر بودن داستان‌هایشان از عنصر مکان و زمان بهره جستند. با ارتقاء سطح نگارش رمان و داستان «با معمول شدن داستان فنی در ادبیات معاصر عربی با داستان زینب اثر محمدحسین هیکل آن رویکرد در آثار نویسندگان کشورهای عربی فراگیر شد» (دیاب، ۲۰۱۰: ۱۰). به تدریج «روستا در داستان به‌عنوان عنصر مکان تعریف می‌شود و نویسنده از ظرفیت آن برای پرداختن به مضامین مورد نظرش بهره می‌برد، بسا ژرف‌نگری در آن، وی را از قید و بند واقعیت رها می‌سازد. از این‌رو داستان‌نویس حوادث داستانی را در روستایی سمبلیک جاری می‌سازد؛ یعنی نوعی ناکجاآباد از بطن واقع‌گرایی نویسنده ظهور می‌یابد» (عبدالله، ۱۹۸۹: ۱۱۵).

راوی در داستان طیور ایلول با خودآگاهی به بررسی حوادثی می‌پردازد که اسباب آن با باورهای درست و اشتباه عامه مردم گره‌خورده و ترکیبی از خوب و بد آفریده است. محور روایت زیبای این داستان قائل بودن به تفاوت میان فرزند دختر و پسر است که در تصمیمات متفاوت مردم جامعه بسط روستا رخ می‌نماید. از همین رو راوی (دخترکی نوجوان) می‌گوید: «به یاد آوردم که برادرم کیفش را می‌بست تا آماده رفتن به مدرسه شود. چرا به او اجازه می‌دهند که این‌طور بدون هیچ سؤالی پرواز کند؟ چرا من باید در میان این دیوارهای تنگ باقی بمانم و آرزوهایم و خواسته‌هایم را زیر پا نهم و زمین اتاق تنگم را متر کنم؟» (نصرالله، ۱۹۹۱: ۲۲).

در این داستان مردسالاری بر روحيات روستاييان چنان سایه گسترده است که نویسنده آن را در علاقه‌مندی خانواده‌های عرب تبار در کاربرد القاب ذکور خانواده و نامیدن مردان با کنیه پسر می‌داند و از همین رو در طیور ایلول می‌نویسد: ادامه تحصیل دختر روستایی در شهر چنان شگفت و غیرمتعارف می‌نماید که دوست راوی نوجوان در پاسخ به اظهاراتش می‌گوید: «اما مردم چی می‌گن؟ به شهر بری و خودت مثل پسرها تنها اونجا زندگی کنی؟ حتماً شوخی می‌کنی مونا!» (همان: ۲۴)

در داستان طیور ایلول فقدان حریم خصوصی - که از نتایج زندگی در روستاست - به چشم می‌خورد. «ملاحظه دیگر نصرالله در نگارش داستان روستایی بیان روش زندگی جمعی در یک منزل است. خانواده روستایی پس از ازدواج فرزند ذکور، معمولاً دوری‌اش را تحمل نمی‌کنند؛ زیرا اعضای خانواده در کنار تعلق خاطر احساس می‌کنند که یک نیروی کار و کمک حال خود را ازدست‌داده‌اند. از همین رو والدین با زندگی مستقل فرزندان در منزلی دیگر مخالفت می‌کنند، در نتیجه فرزندان متأهل در خانه پدری سکونت می‌نمایند» (همان: ۱۳۹).

یکی از پیامدهای زندگی سنتی روستاییان فقدان حریم خصوصی و آگاهی اغلب افراد از جزئیات مسائل شخصی ساکنان روستاست که نصرالله این را هم در موضوعات

داستانش استفاده کرده است. از مضامین استفاده‌شده در داستان‌های روستایی نصرالله توجه وی به ضعف معیشت و تنگدستی روستاییان است که باعث آسیب‌های متعدد می‌گردد. این امر در داستانش باعث آسیب‌هایی متعدد به شخصیت اصلی داستان می‌گردد و چه‌بسا ازدواجی اجباری را برای دختری جوان به ارمغان می‌آورد و او باید به سبب چشمداشت والدین به ثروت مردی میان‌سال یا پیرمردی از فرنگ برگشته، قربانی فقر خانواده گردد و با تن دادن به وصلتی ناخواسته، رفاه کمی را برای خانواده‌اش فراهم کند: «لیلی در دنیای ناشناخته دوری بود، نگاه‌های ملتسانه‌اش را به طرفم برگرداند، احساس کردم که او واقعیت را دریافته و فهمیده که قربانی شده است، قربانی خیلی چیزها تا خانواده‌اش را از فقر برهاند» (همان: ۱۱۱).

پیامد دیگر فقر و تنگدستی روستاییان، مهاجرت آنان از روستا به شهر است نویسنده با در نظر گرفتن دلایل مهاجرت روستاییان از زبان شخصیت‌های داستانش می‌گوید: «چه کسی چیزی از ما می‌داند؟ از زمین ما؟ چه کسی طعم نمک عرقی که از چهره ما می‌چکد چشیده است؟ چه کسی هر روز ده‌ها بار زیر زبانه تازیانه‌های سوزان خوشید می‌سوزد؟ چه کسی هزاران بار در سرما می‌میرد؛ دیروز ابومنصور مُرد ... ابومنصور تنها بود و تا صبح روز بعد کسی از مردنش آگاه نشد. چوپانی تصادفی از آنجا رد می‌شد پیدایش کرد. نه من مثل پدرم زندگی نمی‌کنم و مثل ابومنصور نمی‌میرم» (همان: ۹۲-۹۴).

محتوای استفاده‌شده در داستان‌های املی نصرالله عامیانه و روستایی است و «املی نصرالله در آثار خود ویژگی‌های واقع‌گرایی را با گرایش‌های رمانتیک چنان آمیخته که چشم‌اندازی بدیع را در داستان‌های روستایی ظاهر می‌کند. او با دقت و موشکافانه به بررسی رشته‌های نامرئی حاصل از تقلید و سنت می‌پردازد. رشته‌هایی که فرد لبنانی و عرب را به میراث گذشتگان و سیاست و روستا متصل کرده است. آثار وی تصویری از

معضلات و بحران‌های مربوط به انسان‌ها، به‌ویژه زنان لبنانی به دست داده است» (طنوس، ۲۰۰۲: ۳۰ - ۳۱).

مضامین استفاده‌شده در داستان‌های محمود دولت‌آبادی نیز حکایت از رویکرد ایشان دارد که اغلب بن‌مایه‌های روستایی و عامیانه در آثارش یافت می‌شود. «دولت‌آبادی، با روی آوردن به مسائل روستایی خراسان و تصویر هنری و گویایی که از روستاییان ایرانی در مرحله گذر به زندگی شهری پدید آورده است، سهم سزاوار توجهی را در رسانیدن رمان فارسی به مرحله‌ای از کمال به خود اختصاص داده است. وی نویسنده‌ای چیره‌دست است که با خامه توانای خود توانسته است در عرصه داستان‌نویسی آثار بسیاری به ادبیات داستانی معاصر عرضه کند و خود را در صف نویسندگان معاصر قرار دهد» (کریمی‌پناه، ۱۳۸۷: ۴۶). مضامین روستایی موجود در کلیدر تقریباً مانند مضامین استفاده‌شده در طیور ایلول است؛ مضامینی چون تفاوت قائل شدن میان فرزندان دختر و پسر و مردسالاری، زندگی جمعی و ایلی شخصیت‌های داستان، ضعف معیشتی روستاییان در کلیدر.

۲-۷-۲. مقایسه شخصیت‌پردازی در طیور ایلول و کلیدر

کلام در واقعیت زنده و پویای خود زمینه برخورد دو یا چند گوینده است و محل تلاقی دو یا چند قصد هم‌سو یا متقابل که باهم ساختار بیان را تشکیل می‌دهد. کاربرد آگاهانه و سازمان‌یافته ساختار گفت‌وگویی زبان، چندپهلوی بودن واژه، حضور هم‌زمان من و دیگران در هر گفت‌وگویی در نظر باختین پایه و اساس بیان داستانی را تشکیل می‌دهد که بدین وسیله داستان در برابر بیان منظوم قرار می‌گیرد و اثر را از ادبیات منظوم جدا می‌کند.

«رمان درست همان‌گونه که باختین درک می‌کند و می‌پندارد، بیش از هر چیز سبک شناختی روایتی است که در متن می‌توان یافت یا در عبارتی و نهایتاً کلامی لابه‌لای حرف‌های آدم‌های داستان یا نویسنده و تعدادی از بیانات مستقل آدم‌ها دیده

می‌شود» (تنودر آدورنو، ۱۳۳۰: ۴۲)؛ از این رو می‌توان گفت که طرز مکالمه اقلیمی هر شخصیت در داستان نشان‌دهنده بخشی از روحيات و روانیات اوست. به‌عنوان مثال با نوع بیان و غلظت لهجه روستایی می‌توان تا حدودی به سن و سال و روحیه و منش شخصیت داستان - که همانا شخصیتی روستایی است - پی برد.

«یکی از وجوه قدرت داستان‌های املی نصرالله کیفیت شخصیت‌پردازی است، شخصیت‌هایی که هر یک متصف به عادت‌ها و سنت‌های روستایی‌اند و روحيات روستاییان و شیوه زندگی و طرز تفکر آنان را نشان می‌دهد» (حجازی، ۲۰۰۴: ۴۸۷). نگارش او زیبا و درعین حال ساده و تصویرساز است. تمرکز او بر عنصر گفت‌وگو به داستان‌ش نشاط و پویایی داده است. گفت‌وگوهایی که تناسبی ممتاز با شخصیت‌های داستان‌هایش دارد. در این مسیر وی به‌خوبی توانسته است از ظرفیت‌های گفتار شفاهی و زبان عامیانه بهره بگیرد. ضرب‌المثل‌ها - که مبین آگاهی گسترده نویسنده از عادات و آداب و رسوم سنت‌های مردمی است - در حکایاتش فراوان به چشم می‌خورد» (همان: ۴۸۷).

مثل‌ها و گفتار شفاهی شخصیت‌های روستایی می‌تواند ژرفای باور عمومی را به خواننده منتقل کند، افزون بر آن به‌کارگیری ضرب‌المثل نشان‌دهنده دانش نویسنده و مهارت فراوان او در تطبیق موقعیت ایجادشده و عبارات کنایی ضرب‌المثل است. «ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان میراث فرهنگ شفاهی مردم، نقش مهمی در بیان افکار، عادات و باورهای عمومی دارند» (حجازی، ۲۰۰۶: ۵). املی نصرالله از ضرب‌المثل استفاده کرده است. «املی نصرالله به سبب آشنایی کامل با عرف عام و میراث شفاهی عربی در نگارش داستان از ضرب‌المثل‌ها استفاده کرده است؛ اما فراوانی کاربرد آن‌ها در داستان‌های روستایی چشمگیر است» (روشنفکر، ۱۳۸۶: ۳۲۴).

نصرالله کاربرد زبان عامیانه را نیز به‌عنوان رویکردهای داستان‌نویسی معاصر در داستان‌ش نمودار می‌سازد. «باین حال فراوانی کاربرد گفتار شفاهی و واژگان عامیانه

در داستان‌های روستایی نصرالله بیشتر به چشم می‌خورد. به همین سبب، نویسنده برخوردار از دانش واژگان روستایی و با اطلاع از انتظار خواننده آن داستان‌ها از عبارات گفتار شفاهی و گویش محلی در مکان‌های بایسته بهره می‌گیرد تا بر واقع‌گرایی داستان بیافزاید» (اصغری، ۱۳۸۶: ۹۴).

نویسنده برای گفتار شخصیت‌های داستانش از گفتار محلی استفاده می‌کند؛ چنانچه در طیور ایلول می‌آورد: «تعلّمت منی الطبخ یا أم سمیر؟ مین بیطبخ أحسن؟ أنت یمارسال؟ رتی الکلسات ضروری لکل... و الخیاطه... و یا ام سمیر، لیش ما بتعلمی منی العجین و الخبر؟ = ام سمیر! مونا آشیزی بلد است؟ کی بهتر آشیزی می‌کند تو یا مرسال؟ هر دختری باید رفو کردن جوراب و خیاطی رو بلد باشد. ام سمیر! چرا به مونا، آرد درست کردن و نان پختن را یاد نمی‌دهی؟» (نصرالله، ۱۹۹۱م: ۸۴)

دولت‌آبادی از همین شیوه برای شخصیت‌پردازی شخصیت‌های داستانش سود جسته است. «دولت‌آبادی از لحاظ شخصیت‌پردازی، پیرو رئالیست‌های قرن نوزدهم اروپاست. دانای کلی است که از درون و برون آدم‌های داستان آگاهی کامل دارد و هنگام ورود آن‌ها به داستان، شرح دقیقی از ظاهر جسمی و تاریخچه شخصی‌شان به دست می‌دهد» (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۵۵۱/۱). «نثر دولت‌آبادی در اوج جذابیت و زیبایی است: نثری زنده، جاذب، اثرگذار و با قدرت انتقالی شگفت که خواننده، پنداری تمام شخصیت‌ها و منظر و پدیده‌های طبیعت را که او توصیف می‌کند، به چشم می‌بیند. مهارت دولت‌آبادی در توصیف اندام و چهره و حالات روحی قهرمانانش چنان است که تا مدت‌ها پس از مطالعه داستان، سیمای یکایک آنان در ذهن خواننده می‌ماند و با وی زندگی می‌کند» (رحیمیان، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

دولت‌آبادی در توصیف شخصیت هم از عامیانه بودن آن غفلت نکرده است؛ بلکه حتی طرز توصیف ایشان از شخصیت‌ها هم لحنی روستایی دارد. توصیف طبیعت شامل شانزده مورد از موضوعات پیرامونی است. «مار زخمی! جان رنجیده،

جراحت دیده. تن بی‌پایه، وارixته، آشفته و درهم. ایستاده بر هیچ، معلق ایمان باخته، ناتوان، خشمگین، در یوز، غرور بشکسته وامانده، پریشان پندار، در گِل، بی‌حرمت، گم‌کرده حرمت، دل‌مرده، بر سنگ و سفال خورده وازده، کینه‌توز، بی‌مروت، حدناشناس، نامراد، خوار شده، وهن! زخمی، مار زخمی» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۸: ۸۰۵). بر سنگ و سفال خورده وازده خود مبین وصفی روستایی از یک شخصیت روستازاده و روستایی است.

۲-۷-۳. توصیف صحنه‌های به‌کاررفته در کلیدر و طیور ایلول

نویسنده در داستان طیور ایلول «تصویری بدیع و دقیق از روستایی در جنوب لبنان ارائه می‌کند. تصویری که شامل زیبایی مناظر بکر و فوق‌العاده طبیعی است. او در آن افکار و اعتقادات، باورها و شیوه زندگی مردم روستایی را به زیبایی در مقابل دیدگان خواننده قرار می‌دهد» (روشنفکر، ۱۳۹۲: ۱۰۵). چنانچه خواننده در طیور ایلول با تعقیب جزئیات و دقت در ویژگی‌های مکان حوادث، تصویری جامع و زیبا از فضای طبیعت و محیط روستا مجسم می‌کند. نویسنده در این داستان با توصیف چارپایان و ذکر سروصدای رایج در روستا برای واقعیت بخشیدن به حوادث می‌نویسد: «اطراف حوض بزرگ، گاوها و الاغ‌های روستا صف‌کشیده‌اند تا آن‌ها نیز از آن قطرات زندگی‌بخش توشه‌ای بگیرند. صدای فریاد چوپان‌ها و کشاورزان تشنگی‌شان را تحریک می‌کند» (نصرالله، ۱۹۹۱: ۱۱۸).

نصرالله از توصیف طبیعت زیبا و سرزندگی روستا غفلت نکرده است و به معماری روستا اعتنا کرده است؛ از این‌رو از باغ‌ها و کوخ‌هایی سخن می‌گوید که در پس یکدیگر محله روستا را تشکیل می‌دهند. محله‌هایی که هر یک نامی مخصوص به خود دارند. خانه‌هایشان سرسرا و آغل و اجاق و تنور دارد، ساکنان خانه با فاصله اتاقی از یکدیگر جدایند؛ اما گاه کودک و بالغ در کنار هم در یک اتاق به سر می‌برند و حتی اغلب پرده‌ای به پنجره‌ها آویخته نیست.

دقت نویسنده در ترسیم فضای روستایی، بیش از توصیف مناظر چشم‌نواز طبیعت در تشریح مساعی شخصیت‌های داستان خودنمایی می‌کند. آنجا که زنان و دختران در فصل برداشت محصول یکدل و یکرنگ شده و پابه‌پای مردان و جوانان به کارهای کشاورزی یا امور دیگر می‌پردازند. وی در طیور ایلول می‌نویسد: «با صدای مادرم به واقعیت برگشتم مرسال نزدیک چننه منتظرته. امروز در چیدن انگور کمکون می‌کنه ... و در خانه پدرم، همه‌چیز را آماده کرده بود؛ دو جعبه بزرگ چوبی پشت الاغ بسته بود و برای ما سبدهایی فراهم کرده بود ...» (همان: ۲۵).

پس نصرالله با استفاده از فن توصیف به شرح جریان زندگی در روستا می‌پردازد و با استفاده از درایتش به ذکر جزئیات زندگی روستا می‌پردازد تا خواننده در ادامه داستان بتواند واقعیت زندگی را در آن احساس کند. باین‌حال نویسنده از محدودیت‌های زندگی در روستا غافل نبوده است و با ذکر ابزارهایی - که رهاورد تمدن شهری است - اشاره‌ای گذرا به اختلاف طبقاتی و اختلاف در سطح زندگی مردم روستا دارد؛ چنانکه در طیور ایلول می‌نویسد: «نجلا داشت رادیویی جدید را که پدرش از شهر خریده بود، به ما نشان می‌داد. آن اولین رادیویی بود که روستا به خود دیده بود. پیچش را چرخاند، نواهایی غمگین که آمیزه‌ای از شوق، درد و رنج بود، از آن پخش شد» (همان: ۱۷۵).

استفاده از صنایع ادبی بر تصویرسازی اثر می‌افزاید. «استعاره‌ها با برخوردار بودن از خصلت تشخیص، فضای شاعرانه‌تری به نثر می‌دهند» (بهارلو، ۱۳۶۹: ۲۸۰). در کلیدر از استعاره هم استفاده شده است. «شاید یکی از چیزهایی که اوصاف و مظاهر طبیعت را در شعر و نثر زیبا و با روح می‌کند، جان بخشیدن به آن‌هاست» (یوسفی، ۱۳۶۸: ۴۷۱).

محمود دولت‌آبادی نیز با استفاده از عناصر خیال همچون استعاره و تشخیص برای داستان خود فضایی بکر را ترسیم می‌کند: «باز این باد برخاسته بود، می‌وزید و می‌نالید

و خاک را برآشفت، در هم می‌پیچاند به خاک درمی‌آمیخت، می‌غلتاند می‌غلتید و همچون نمدی که در هم بلولد بر دشت می‌لولید تن بر بیابان سوخته می‌مالاند و بوته برکنده مره را با خود م‌دواند دور می‌شد و موج خاک در هر پناه فرومی‌نشاند و باز سینه به زمین می‌سایاند. در همیزم و بوته چنگ می‌انداخت لوله می‌شد می‌لولاند، بالا می‌رفت، تاب می‌خورد ...» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۸: ۵۳ - ۵۴).

نمونه زیر توصیفی است که با پرداختن به جزئیات، در باب شهر سبزوار نقل می‌شود: «ابر تیره چون کرک خاکستری بز هنوز آسمان را فروپوشانده بود، نه می‌بارید و نه می‌گریخت. هم چنان سمج و بی‌بار بر بالای شهر ایستاده و مانده بود. گزمه بی‌چهره. مردمان از سنگ‌فروش خیابان برچیده شده بودند. یا به دکان‌ها خزیده یا سر در پوستین پیچیده و در کوچه‌ها فرومی‌رفتند. غباری سرد در تن شهر رها بود ...» (همان: ۴۱). استفاده از تشبیهی عامیانه (ابر تیره به کرک خاکستری بز) در این توصیف زیبایی توصیف را چندین برابر کرده است؛ همچنین حال و هوایی عامیانه و روستایی به داستان داده است.

۳. نتیجه‌گیری

پس از بررسی و تحلیل این دو اثر ادبی نتایج زیر حاصل آمد:

- توجه به مضامین استفاده‌شده و تحقیق در مورد نویسندگان در دو داستان نشان می‌دهد نویسنده عرب‌زبان از طرز بیانی رمانتیک استفاده کرده است و نویسنده کلیدر نیز از مکتب رئالیستی در رمانش بهره جسته است.
- باوجود اینکه دو نویسنده هر یک ایده و طرحی متفاوت را انتخاب کرده‌اند و مضامین در این دو داستان دقیقاً مانند یکدیگر نیستند؛ اما شباهت‌هایی در جنبه‌های روستایی
- حتی در پرورش مضامین - با یکدیگر دارند.

- مضمون روستایی و عامیانه در دو رمان «کلیدر» و «طیور ایلول» همچون مضمون مردسالاری، ضعف معیشتی شخصیت‌های داستان و نوع زندگی اشخاص داستان شباهت‌هایی به هم دارند و وجه افتراقات مضمونی این دو اثر کم است.

- نوع وصف و شرح مناظر و محیط‌های روستایی در ذهن خواننده تصویری از روستا و چهره‌ای از کهنگی ایجاد می‌کند که هر دو از تشبیهات مناسب و فضاسازی‌های روستایی پی‌درپی استفاده کرده‌اند.

- دولت‌آبادی با مهارت تمام و به‌کارگیری توصیفات فراوان و حتی استفاده از لغات و اصطلاحات عامیانه در گفتار راوی داستان، به‌خوبی توانسته است روایتی روستایی ترسیم کند.

- داستان‌های روستایی املی نصرالله در ادبیات عربی و کلیدر در ادبیات فارسی به ارتقای سطح نگارش داستان‌های اقلیمی عربی کمک کرده است و در هر دو داستان نویسندگان با استفاده از گفتار شفاهی و گویش محلی به تناسب به خلق شخصیت‌های روستایی پرداخته‌اند.

کتاب‌شناسی

کتاب

۱. اصغری، جواد (۱۳۸۶)، *رهیافتی نو بر ترجمه از زبان عربی*، تهران: جهاد دانشگاهی.
۲. بهارلو، محمد (۱۳۶۹)، *کلیدر سرگذشت نسل تمام‌شده*، تهران: نگاه.
۳. تئودور، آدرنو (۱۳۳۰)، *بوطیقای نو*، تهران: آرست.
۴. الحاوی، ایلیا (۱۹۹۸)، *الرمنسیه فی الشعر العربی العربی*، دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
۵. حجازی، علی (۲۰۰۴)، *القصة القصیره فی لبنان*، بیروت: دارالمؤلف.
۶. حجازی، علی (۲۰۰۶)، *الامثال الشعبیه*، بیروت: دارالکتب الحدیثه.
۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۵)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
۸. دولت‌آبادی، محمود (۱۳۶۸)، *کلیدر*، تهران: عصر معاصر.
۹. دیاب، عزالدین (۲۰۱۰)، *التحلیل النثر و بولوجی للأدب العربی*، دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
۱۰. رحیمیان، هرمز (۱۳۹۰)، *آشنایی با ادبیات معاصر ایران*، تهران: پیام نور.
۱۱. روشنفکر، اکرم (۱۳۸۶)، *ادبیات زنان در لبنان با تکیه بر آثار املی نصرالله*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۴)، *آشنایی با نقد ادبی*، تهران: سخن.
۱۳. الشیبی، مصطفی (۲۰۰۹)، *الادب الشعبی مفهومه و خصائصه*، بیروت: دارالعلم.
۱۴. طنوس، جان‌نعوم (۲۰۰۲)، *قراءة نفسیه فی ادب املی نصرالله*، قاهره: مکتبه دار العربیه للکتاب.
۱۵. عبدالله، محمدحسن (۱۹۸۹)، *الریف فی روایه العربیه*، کویت: عالم المعرفة.
۱۶. محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۲)، *ادبیات عامیانه ایران*، تهران: چشمه.
۱۷. میرعابدینی، حسین (۱۳۸۶)، *صدسال داستان‌نویسی ایران*، ج ۱، تهران: چشمه.

۱۸. نصرالله، املی (۱۹۹۱)، *طیور ایلول*، بیروت: نوفل.
۱۹. یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۸)، *بحثی در شرح و احوال و روزگار شعرا*، تهران: علمی.

مقاله‌ها

۱. روشنفکر، اکرم (۱۳۹۲)، «ویژگی‌های داستان روستایی در آثار املی نصرالله»، شماره ۱۱، لسان مبین (پژوهش ادب عربی).
۲. کریمی پناه، ملیحه و رادفر بوالقاسم (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل موضوعات وصفی کلیدر»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱.
۳. نصیحت، ناهید و میرزایی، فرامرز (۱۳۹۱)، «شیوه‌های روایت گفته‌های داستانی در آثار املی نصرالله»، مجله ادب عربی دانشگاه تهران، شماره ۴.

